

## نقش ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی

### جمهوری اسلامی ایران

محمد گل افروز\*<sup>۱</sup>

#### چکیده

بر مبنای رویکرد ژئواکونومیک به روابط و سیاست بین‌المللی می‌توان ادعا کرد که امروزه انرژی، محور سیاست و استراتژی کشورهای بزرگ و صنعتی است. در این میان و به رغم ظهور انرژی‌های جایگزین منابع فسیلی و همچنین ظاهر شدن چشم‌اندازهای متفاوت در باب مناطق تأمین نفت و گاز مورد نیاز جهان اصلی‌ترین فشار برای تصاحب آسان منابع بر روی کشورهای اطراف حوزه خلیج فارس و سپس خزر متمرکز شده است. با این همه، نکته‌ی حائز اهمیت و مثبت اینک، ایران به دلیل قرارگرفتن میان این دو حوزه و داشتن رتبه‌ی دوم ذخایر نفت و گاز جهان به‌عنوان بازیگری تأثیرگذار و واجد نقش در استراتژی‌های جهانی انرژی محسوب می‌شود. اما در چهار دهه اخیر به علت نگرش ضدغربی و هم‌زمان وابستگی بخش عمده‌ی اقتصاد آن به صادرات نفت، همواره با اقدامی هماهنگ از سوی کشورهای مخالف خود، در جهت کاهش وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی و به تبع آن دغدغه‌ی تهدید مداوم امنیت ملی مواجه بوده است. لذا این کشور به ناچار با مجموعه‌ای از راهبردها در چارچوب واقع‌گرایی، نواقعی‌گرایی و نیز وابستگی متقابل در جهت بازیگری و نقش‌آفرینی در ژئوپلیتیک انرژی تلاش دارد اهداف، ارزش‌ها و منافع خود را با جهان اقتصادمحور گره زده، تا به امنیت ملی دلخواه خود برسد. از این‌رو مقاله‌ی حاضر، با هدف بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی در جهان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که نسبت تأثیرگذاری ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

**واژگان کلیدی:** ژئوپلیتیک انرژی، نفت و گاز، اقتصاد رانتیر، امنیت ملی، ایران

۱- دکترای جغرافیای سیاسی و مدرس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

\* نویسنده مسؤل، ایمیل: Gp.golafrouz@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱

فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم شماره ۳ پاییز ۱۳۹۴، صص ۲۲۴-۱۹۹

## مقدمه

از زمان کشف نفت ایران در تاریخ ۲۶ مه ۱۹۰۸ (پنجم خرداد ۱۲۸۷) در عمق ۳۶۰ متری منطقه‌ی نفتون مسجد سلیمان ( میرترابی، ۱۳۸۴: ۴۷)، یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین و تنظیم روابط ایران با قدرت‌های بزرگ، این کالای استراتژیک بوده است. مداخله‌ی کانون‌ها و قطب‌های جهانی در ایران برای تأمین منافع نفتی و سپس گاز در طول ۱۰۶ سال گذشته، همچنین اقتصاد را تحت تأثیر وابسته به فروش نفت و گاز (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸ و شکاری: ۱۳۷۹) الگوی خاصی از تعاملات خارجی را ایجاد کرد، که در آن نوعی وابستگی متقابل برپایه نقش ژئوپلیتیک انرژی به وجود آورده که بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار است. بر این اساس، نیاز به بازارهای جهانی جهت صدور انرژی و جذب سرمایه‌ی خارجی به منظور نوسازی و توسعه‌ی آن، تثبیت قیمت‌ها و تأمین امنیت انرژی در کنار دغدغه‌ی مشارکت در ساخت خطوط انتقال نفت و گاز که از جمله اصلی‌ترین مؤلفه‌های بررسی ژئوپلیتیک انرژی هستند، در سیاست خارجی و امنیت ملی کشورهای دارای ذخایر بسیار بزرگ نفت و گاز جهان از جمله ایران تأثیر زیادی خواهد داشت. در این راستا، ایران ناخواسته با برخورداری از چنین ذخایر عظیمی در جهان برای کسب درآمد، به تغییر رفتار ایدئولوژیک و انقلابی در سیاست خارجی، و عادی‌سازی و گسترش روابط با کشورها و نهادهای بین‌المللی غیرهم‌سو یا مخالف ایدئولوژی انقلاب، راهبردهای متفاوتی را پی‌گیری می‌کند. درهم آمیختگی ایده‌های مختلف انقلابی و در کنار آن لزوم اتخاذ دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و وابستگی متقابل، با روش‌های خاص خود در مواجهه با تهدیدات انرژی در سطح منطقه‌ای و جهانی در چند دهه‌ی اخیر، تأثیرات متفاوتی نسبت به گذشته بر سرنوشت نظام جمهوری اسلامی گذاشته است.

بدیهی است که برخورداری از موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک مناسب و ایفای نقش مؤثر در انرژی از دو جهت مثبت و منفی بر امنیت ملی ایران قابل بررسی است. اگر سیاست خارجی ایران هم‌سو با غرب و دنیای صنعتی باشد، ژئوپلیتیک انرژی نقش مؤثر و مثبتی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت. در غیر این صورت به دلیل

تحریم از سوی همین کشورها، داشتن منابع انرژی (نفت و گاز) در اقتصاد رانتیر موجب کاهش درآمد و نقش ایران در مقام قدرتی منطقه‌ای خواهد شد، که خود عامل بازدارنده و منفی تلقی می‌شود. با توجه به این مقدمه، مقاله‌ی حاضر به دنبال بررسی این سوال اساسی و محوری است که:

در عصر ژئواکونومیک، اقتصاد رانتیر و وابسته به نفت و گاز ایران چه تأثیری بر تعاملات و امنیت این کشور با جهان گذاشته است؟

در پاسخ به این سوال کلیدی فرضیه‌ی زیر ارائه و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:  
 در عصر ژئواکونومیک، اقتصاد تک محصولی ایران با تکیه بر درآمد فروش انرژی (نفت و گاز)، الگوی خاصی از تعاملات خارجی و امنیت ملی که از متغیرهایی در خارج از مرزهای آن مانند ژئوپلیتیک انرژی تأثیر می‌پذیرد را ایجاد کرده است.

#### ۱. مروری بر ادبیات نظری موضوع

در رابطه با مفاهیم امنیت ملی، انرژی و ژئوپلیتیک در حوزه‌های مختلف چون علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و ...، تعاریف متفاوتی ارائه شده است. اما با توجه به موضوع این تحقیق، برخی از اصلی‌ترین آن‌ها که ارتباط نزدیکی با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارند، به شرح ذیل ارائه می‌شود.

امنیت در لغت فارسی به معنی ایمن شدن، در امان بودن، بی‌خوفی، بی‌بیمی، ایمنی و جای امن (دهخدا، ۱۳۷۳: ۳۳۷۷) آمده است. معنای اصطلاحی آن در دانشنامه‌ی سیاسی «حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله» است. در این معنا، امنیت در چهار سطح: فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی مفهوم متفاوتی پیدا می‌کند (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹).

همچنین در سال‌های اخیر، بر سه ویژگی امنیت تأکید بیشتری صورت گرفته است:

الف- نسبی بودن امنیت: یعنی در جهان فعلی دستیابی به امنیت مطلق غیرممکن است زیرا قدرت که مبنای تحصیل امنیت است؛ متغیر، متفاوت و نسبی بوده و به دنبال آن امنیت حاصل برای دولت‌ها نیز نسبی می‌شود.

ب- ذهنی بودن امنیت: یعنی احساس امنیت و عدم آن امری ذهنی است که ریشه در اعتقادات و باورهای مذهبی و اخلاقی دارد. اعتقادات یک ملت یا رهبران آن، کشوری را دشمن و کشور دیگر را دوست تلقی می‌نمایند. پ- تجزیه ناپذیر بودن امنیت: به این معنی است که امنیت با حاکمیت و استقلال کل یک کشور رابطه-ی مستقیم دارد (رضائی و حیدری فر، ۱۳۸۹: ۱۶۵). در روابط بین‌المللی، امنیت همواره به شکلی گریزناپذیر سیاسی است. یعنی نقشی حیاتی در بازی سیاست جهانی حول محور چه کسی، چه هنگام و چگونه را دارد (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۳۴). در این راستا امنیت در سطح ملی «حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و با خاک خود به سر برد» (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹). اما گفته می‌شود مسأله امنیت ملی، مفهومی غربی و بیشتر آمریکایی است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده و در دو دهه‌ی اخیر، ایده‌ی امنیت ملی توجه بیشتر پژوهشگران و سیاستمداران جهان سوم را هم به خود معطوف داشته است (آزر و مون، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۲). در این رابطه، آنهایی که به چشم‌اندازهای واقع‌گرایی و لیبرالیسم اعتقاد دارند، به دولت و موضوعات سنتی امنیت ملی علاقه‌مندند. در مقابل، کسانی که از دیدگاه تحلیلی بدیل طرفداری می‌کنند، به تعاریف نامتعارف و موسع‌تر امنیت ملی از قبیل تعریف برحسب قدرت رقابت اقتصادی، حقوق بشر و رفاه انسانی علاقه‌مندند. در اینصورت نه تنها دولت‌ها، بلکه کنشگران غیردولتی را در تعاریف خود در نظر می‌گیرند (کنزشتاین، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۹). همچنین امنیت ملی از دو بُعد داخلی و خارجی قابل بررسی است. جنبه‌ی داخلی آن، امنیت یک ملت در مقابل تهدیدهای پیدا و پنهان در درون مرزهای ملی را دربر می‌گیرد. این تهدیدها می‌توانند سیاسی (شورش، جدایی طلبی و ...)، اقتصادی (نابسامانی‌ها و بحران‌های اقتصادی و ...) نظامی (کودتا و جنگ داخلی و ...) و اجتماعی (آشوب و شورش اجتماعی و ...) باشند. بعد خارجی امنیت ملی با تهدیدهای برون مرزی علیه یک دولت در ارتباط است که دارای ابعاد سیاسی (انزوا و اعمال فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله نظامی

یا تهدید به حمله، تقویت بنیه‌ی نظامی دشمن)، اقتصادی (مانند تحریم های اقتصادی) و فرهنگی- اجتماعی است (مردایان، ۱۳۹۰: ۱۷۹-۱۷۸).

## ۲. امنیت ملی ایران

براساس ایده‌ها و نظرات بنیان‌گذار و شخصیت‌های محوری جمهوری اسلامی ایران اصلی‌ترین، حیاتی‌ترین و فوری‌ترین هدف این کشور حفظ موجودیت و تأمین امنیت ملی است. زیرا اعتقاد بر این است که در نظام بین الملل غیرمتمرکز و فاقد حکومت یا اقتدار مرکزی، که نمی‌تواند از تجاوزگری جلوگیری کند، باید اولین هدف، حفظ امنیت ملی و صیانت از کشور باشد. زیرا بدون تأمین امنیت ملی و بقای کشور، تحقق سایر اهداف ملی غیرممکن خواهد بود. لذا بایستی موجودیت و بقای ایران نیز برحسب حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال، و ادامه حیات ملت و نظام تعریف شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۸). در این رابطه هم اکنون «مهم‌ترین منابعی که برای کشف و توضیح ایده‌ها و نظرات جمهوری اسلامی ایران مورد توجه است عبارتند از:

الف- قانون اساسی

ب- نظرات امام خمینی (ره)

پ- نظرات رهبر انقلاب اسلامی

د- چشم انداز بیست ساله کشور» (ره پیک، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

به این ترتیب، در قانون اساسی از سال ۱۳۶۸ تاکنون، شورای عالی امنیت ملی در فصل سیزدهم از اصل ۱۶۷ به ریاست رئیس جمهور پیش‌بینی و تشکیل شده است. طبق این اصل اعضای آن عبارتند از: رؤسای قوای سه گانه، فرماندهی ستادکل نیروهای مسلح، مسئول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب مقام رهبری، وزارت امور خارجه، کشور و اطلاعات، حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه که تصمیمات آنها پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا خواهد بود (منصور، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۵).

در یک تعریف کلی، به مطالعه‌ی نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست، قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها، ژئوپلیتیک انرژی می‌گویند. در این رابطه انرژی‌های فسیلی به ویژه نفت و گاز از آن حیث که در بیلان انرژی جهان سهم بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده‌اند. از این-رو، منابع تأمین انرژی (در کشورهایی مانند ایران)، مسیرهای انتقال، بازارهای مصرف، تجارت، فناوری و نظایر آن در انرژی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. براین اساس ژئوپلیتیک انرژی بدان حد دارای اهمیت است که دولت‌های مصرف‌کننده و مکان‌های تولید انرژی، و به همراه مسیرهای انتقال و تکنولوژی‌های مربوط به آن جزء اهداف ملی و امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

### ۳. ایران و ژئوپلیتیک انرژی

در دیدگاه کمپ و هارکاوی که متأثر از نظریه «Heartland» مکیندر است، از بیضی استراتژیک و هارتلند انرژی (نفت و گاز) جهان یاد می‌شود که ایران در مرکز آن قرار دارد. آن‌ها معتقدند که سرزمین ایران قلب و محل اتصال قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا می‌باشد، و ایران علاوه بر داشتن ذخایر دوم نفت و گاز جهان، در مرکز دو کانون بزرگ انرژی جهان یعنی حوزه دریای خزر و حوزه خلیج فارس قرار دارد (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳: ۲۵۰-۱۸۵). جفری کمپ، یکی از ناظران عالی‌امریکایی در زمینه‌ی ژئوپلیتیک معتقد است که خلیج فارس در کنار دریای خزر، دو منطقه تأمین‌کننده‌ی انرژی در سده بیست و یکم هستند و از آن به عنوان «بیضی استراتژیک انرژی» یاد می‌کند. (Kemp: 1997: 16) در این راستا می‌توان گفت که ایران از طریق ژئوپلیتیک انرژی به وزن ژئوپلیتیکی بیشتری در سطح منطقه و جهان رسیده است.

در بررسی‌های امنیت ملی، برای اندیشیدن به آن راه‌های گوناگون و متعددی دیده شده است. هدف این پژوهش، انتخاب کردن یکی از این دیدگاه‌ها و چالش‌های آن نیست، بلکه با مروری مختصر از برخی دیدگاه‌های مرتبط با موضوع امنیت و انرژی

در ایران، چارچوبی برای تحقیق قائل شده است. لذا برخی از آنها به اختصار آورده می‌شود: در حوزه بررسی‌های امنیتی، دیدگاه واقع‌گرایی با تکیه بر روی قدرت، ترس و اقتدارگرایی تأثیر زیادی بر سیاست کشورها گذاشته است ( ویلیامز، ۱۳۹۰: ۵۳). در جمهوری اسلامی ایران واقع‌گرایی با تأکید بر عنصر مصلحت‌گرایی به‌ویژه از دوران سازندگی (۷۶-۱۳۶۸) آغاز شد و پس از آن در دولت جدید ادامه پیدا کرده است. بر این اساس نقش گسترده عقل و عقلانیت در تدوین و تدبیر سیاست خارجی موجب عقلانی‌تر شدن آن شد. از آنجا که لازمه و پیامد منطقی و ضروری عقلانیت، واقع‌نگری است، لذا اصول حکمت و مصلحت به همراه عزت به‌عنوان مبنا و اساس سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. از طرفی اعتقاد بر این است که واقع‌گرایی به معنای غفلت یا عدول از آرمان‌های انقلاب، ارزش‌ها و احکام اسلامی نیست، بلکه متضمن در نظر گرفتن ضرورت‌ها، شرایط و مقتضیات زمانی- مکانی در نظام بین‌الملل است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۲۰). ارائه چنین دیدگاهی از گفتمان واقع‌گرایی در چارچوب اسلام، در عین شباهت با نظریه‌ی واقع‌گرایی می‌تواند به صورت متفاوتی بر ماهیت، هویت، منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل تأثیر گذار باشد. از این منظر، نظم مستقر در نظام موجود بین‌المللی عادلانه و مطلوب نیست. پس برای جای‌گزینی آن با نظم و نظام اسلامی مطلوب، باید آن را اصلاح و نسبت به تغییر آن تلاش کرد. نو واقع-گرایان بر وضعیت آنارشیک نظام بین‌المللی تأکید دارند. آنها معتقدند که در این دنیای به هم پیوسته، نهادهای بین‌المللی، زمینه‌ی نهاد بدیلی را فراهم می‌آورد که در آن دولت‌ها می‌توانند منافع خود را تعریف کنند و سیاست‌های تعارض‌آمیز خود را با هم هماهنگ سازند (کترنشتاین، ۱۳۹۰: ۲۲). در این نظریه، آنارشی به مفهوم هرج و مرج نیست، بلکه به معنای فقدان حکومت مرکزی یا اقتدار عالی و برتر در نظام بین‌الملل است.

بر این اساس، سیاست‌مداران دیگری از ایران به مانند سایر کشورهای پیشرو در این نظریه، با تکیه بر سه گزینه معتقدند که الگوی رفتاری سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران باید دستخوش تغییر شود. اول، بی اعتمادی و سوء ظن به سایر کشورها و بلعکس است. آنها معتقدند ایران به مانند کشورهای دیگر، همواره نگران خطر جنگ و تهدیدهای نظامی است. اساس این نگرانی نیز امکان به کارگیری زور و نیروی نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، عقل و خرد حکم می‌کند که این کشور نسبت به انگیزه‌ها، نیت و توانایی‌های کشورهای دیگر بدبین و بی‌اعتماد باشد. دوم، بقا و امنیت است. این تفکر در صدر اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید قرار گیرد. زیرا، اعتقاد بر اینست که کشورهای دیگر، تهدیدات بالقوه‌ای تلقی می‌شوند که هیچ حکومت مرکزی و اقتدار برتری وجود ندارد تا آنان را از به کارگیری زور و تجاوز به دیگران باز دارد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در این وضعیت آنارشیک و خودیار، نمی‌تواند برای تأمین امنیت و بقای خود به دیگران متکی باشد، و باید به تنهای امنیت خود را تأمین نماید. سوم، تلاش برای افزایش قدرت، در جهت بالا بردن ضریب امنیت ملی است. این منطق باید انگیزه‌های قدرتمندی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند تا به توازن بخشی و موازنه‌سازی درون‌گرا - برون‌گرا بپردازد. لذا با توجه به ارجحیت موازنه‌سازی درون‌گرا، جمهوری اسلامی ایران با اتکا به توانایی‌های ملی خود و به صورت یک‌جانبه درصدد افزایش قدرت و موازنه‌سازی است. اما درالگوی موازنه‌سازی برون‌گرا، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب چند جانبه‌گرایی، اتحادسازی و ائتلاف سازی به توازن بخشی می‌پردازد. سیاست نگاه به شرق و عضویت ناظر در سازمان همکاری شانگهای و توسعه روابط با کشورهای آمریکای لاتین در مقابل ایالات متحده و اروپا در این راستا است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۱۴: ۱۳۸۸-۱۱۳). چنین الگوی رفتاری ایران در فاصله‌ی بین سال‌های (۹۲-۱۳۸۴) در صدر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

در نظریه وابستگی متقابل، لیبرالیسم اقتصادی و نهادگرایی نولیبرال، برداشت‌های متفاوتی را از نظام روابط بین‌المللی ارائه داده‌اند. اما در کل، وابستگی متقابل و



جهانی شدن موجب عرضه الگوهای رفتاری متفاوتی در بین کشورهای جهان شده است. مثلاً در ایران، الگوی رفتاری متفاوتی از خودیاری، بی اعتمادی و موازنه - سازی را در بین عده‌ای دیگر از سیاستمداران برانگیخته است. این گروه معتقدند در سطح ملی، توسعه‌ی اقتصادی و فناوری را باید در اولویت اول سیاست خارجی قرار داد. در این راستا، ایران باید در جهت گسترش مناسبات و مبادلات اقتصادی با کشورهای توسعه یافته و هم پیوندی با اقتصاد جهانی گام بردارد. همچنین آن‌ها در سطح بین‌المللی معتقدند ایران باید به سمت چندجانبه گرایی در سیاست خارجی سوق پیدا کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۱۴). چنین برداشت ایرانی‌ای از این نظریه، بیشتر در دولت جدید و از سال ۱۳۹۲ در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دیده شده است.

### ۱-۳. دولت‌های رانتیر نفتی و ایران

مفهوم دولت رانتیر در اقتصاد سیاسی، اساساً در چارچوب تلاش برای رفع نارسائی‌های مربوط به رویکردهای مارکسیستی و وابستگی و در تشریح علل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم مطرح شده است. به طور خلاصه، هر دولتی که قسمت عمده - ی درآمدش را ( ۴۲ درصد) از منابع خارجی دریافت نماید، دولت رانتیر نامیده می - شود. برخی از شرایط دولت‌های رانتیر عبارتند از:

الف- رانت باید از خارج کشور تأمین شود. یعنی هیچ‌گونه ارتباطی با فرایند تولید در اقتصاد داخلی کشور نداشته باشد. ب- در دولت رانتیر، تنها درصد بسیار کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت هستند و اکثر افراد جامعه دریافت کننده و توزیع کننده رانت می‌باشند.

پ- دولت رانتیر، دریافت کننده‌ی اصلی رانت خارجی است و در هزینه کردن آن نقش اساسی ایفا نمی‌کند ( میرترابی، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

در این تعریف، دولت‌های صادرکننده نفت از جمله ایران در صورتی که از ۴۲ درصد بیشتر، درآمد بودجه‌ی عمومی آنها از نفت تأمین شود، آنها واجد ویژگی - های دولت رانتیر نفتی هستند. در این رابطه آمارها نشان می‌دهد، که ایران به طور

متوسط حداقل در سه دهه‌ی اخیر، ۵۵ درصد از درآمد دولتی خود را از فروش نفت بدست آورده است (میرترابی، ۱۳۸۷: ۱۳). همچنین آثار منفی رانت خارجی به‌ویژه کشورهایی که از فروش منابع و ذخایر طبیعی آنرا کسب می‌کنند، در دو حوزه خود را نشان می‌دهد؛ اثر سوء بر دموکراسی و توسعه‌ی سیاسی و دیگری در توسعه‌ی اقتصادی. اثر نخست بیشتر توسط صاحب نظران دولت رانتیر تشریح شده و اثر دوم در چارچوب رویکرد **بلای منابع** توضیح داده می‌شود (میرترابی، ۱۳۸۷: ۲۰). به این ترتیب می‌توان گفت اقتصاد تک محصولی با اتکا بر فروش نفت (و در سال‌های اخیر گاز)، پایه‌ی ساختار رانتیرسم نفتی در ایران شده است. در چنین شرایطی امنیت ملی ایران تحت تأثیر تحولات بازار نفت و ژئوپلیتیک انرژی قرار می‌گیرد. با اجماع نظریه‌های فوق می‌توان به راهبرد مفروض‌ها و اهداف این تحقیق کمک کرد. زیرا اقتصاد و سیاست انرژی در نزد اندیشمندان و سیاستمداران ایران به ویژه پس از انقلاب در چارچوب این نظریه‌ها نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری و اقتصادی شدن سیاست خارجی ایران دارد.

## ۲-۳. اهمیت جهانی ژئوپلیتیک انرژی در امنیت ملی قدرت‌های بزرگ و ایران

در عصر فعلی و حاکمیت گفتمان ژئوپلیتیک، اقتصاد نقشی برجسته‌تر از هر زمان دیگر یافته و ژئوپلیتیک انرژی فصل نوینی را در روابط بین‌المللی باز کرده است. در این میان منابع انرژی به عنوان یکی از اصلی‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیکی در نظام سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین‌المللی قدرت‌های بزرگ و کشورهای مرتبط با آن دارای اهمیت است. زیرا انتقال آن به مکان‌ها و فضاها بدون انرژی یا نیازمند انرژی، کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال و نیز تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، همچنین فرآوری، انتقال و مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیده رقبا در عرصه بین‌المللی اعتبار ویژه‌ای به انرژی و موضوع ژئوپلیتیکی آن داده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳). همچنین هیدروکربن‌ها (نفت و گاز) بیش از ۶۰ درصد انرژی سوختی جهان را تشکیل می‌دهند (Rempel, 2006: 1). لذا امروزه ژئوپلیتیک انرژی در تعیین مناسبات سیاست خارجی کشورهای جهان نقش و

اهمیت فزاینده‌ای یافته است (Hall, Lodhi, 2007: 30). به‌عنوان مثال نفت مهم‌ترین بخش انرژی آمریکا باقی خواهد ماند و در کوتاه مدت عرضه‌ی نفت از منطقه خلیج فارس یک هدف اساسی سیاست خارجی آمریکا خواهد بود (Everest, 2004). از این منظر، انرژی در سه مولفه‌ی اصلی مثلث نظام بین‌الملل یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست قرار گرفته است. بر این اساس، انرژی کالایی استراتژیک است که بر امنیت ملی همه کشورهای مرتبط با آن و از جمله ایران که در اقتصاد رانتهیر آن فروش ذخایر بزرگ نفت و گاز از اهمیت فراوانی برخوردار است، تاثیر اساسی دارد. در این راستا، برخی از اهمیت جهانی و ملی انرژی با توجه به مطالعه موردی آن در امنیت ملی ایران موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۳-۳. اهمیت ژئواکونومیک و نقش جهانی انرژی در امنیت ملی کشورها

در قرن بیست و یکم، و پس از جنگ سرد با تغییر شاخص‌ها در انتخاب قلمروهای ژئواستراتژیک و اولویت مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک پدید آمده است. بر همین اساس در مباحث ژئواکونومیک، موضوع ژئوپلیتیک انرژی به ویژه نفت و گاز و امنیت استراتژیک آن به عنوان اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده در تعیین استراتژی‌های جهانی مطرح می‌شود. لذا چالش‌های جدیدی همچون رشد تقاضای جهانی مصرف انرژی، افزایش قیمت نفت خام، کاهش ارزش دلار، ترس از اقدامات تروریستی، عدم ثبات برخی از کشورهای اصلی تولیدکننده نفت و گاز و رقابت‌های ژئوپلیتیکی، در امنیت ملی کشورهای جهان دور از ذهن نخواهد بود. از این‌رو در بحث‌های انرژی (نفت و گاز) به منابع، مسیرهای انتقال، بازارهای مصرف، تجارت، فناوری و نظایر آن در ژئوپلیتیک انرژی توجه ویژه‌ای خواهد شد. زیرا امروزه ارتباط تنگاتنگی بین انرژی با زندگی روزمره مردم و جوامع وجود دارد که می‌تواند برحیات ملی کشورها و دولت‌های متقاضی و تولیدکننده آن تاثیر بگذارد. از طرفی بازار جهانی نفت بیش از این‌که از مصرف‌کنندگان تاثیر بپذیرد، متأثر از رفتار تولید و عرضه‌کنندگان انرژی است (Nerlich, 2008: 4). از همین روست که این موضوع در سیاست‌های ملی و

بین المللی نقش تعیین کننده‌ای پیدا کرده و الگوهای رقابت، همکاری، کشمکش، تجاوز، تعامل، همگرایی و واگرایی را در عرصه بین المللی و روابط بین کشورها به وجود آورده است (مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۹۹-۹۸). همچنین در سطح داخلی کشورهای جهان، ارزش اقتصادی انرژی به عنوان کالایی اولیه برای تمام صنایع با اهمیت تلقی می‌شود. در همین رابطه، نقش‌های دیگری از جمله اشتغال-زایی و درآمدزایی که امروزه در رأس توجه امور داخلی امنیت ملی کشورها قرار دارد، معمولاً در جهت قدرت بخشی فعالیت‌های اقتصادی، اساس سیاست‌گذاری در بخش انرژی قرار گرفته است. لذا در بحث‌های انرژی و نقش آن در استراتژی کشورهای جهان، به منظور تضمین مصرف مستمر کالاهای انرژی برای ثبات اقتصادی و سیاسی کشور توصیه اکید می‌شود (پاکام، ۱۳۹۱: ۵۴۴). در تحلیل چنین نگرشی، باید گفت توجه و نیاز چند قطب اقتصادی از جمله ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ژاپن، چین و حتی هند به منابع خاورمیانه قطعی است. منافع آنها در جهت جلوگیری از کنترل منابع منطقه به دست قدرت‌های رقیب، و به ویژه صحنه‌ای که ایران در دو حوزه‌ی خلیج فارس و دریای خزر قرار دارد، موجب تغییر و تحول جدیدی در روابط قدرت در قرن بیست و یکم شده است. شاید به راه انداختن چندین جنگ در قرن حاضر توسط ایالات متحده و هم‌پیمانانش و نیز تحولات بهار عربی در خاورمیانه به دلیل اهمیت ژئواکونومیک منابع انرژی آن باشد. در صحنه‌ی بازی بزرگ، ایران به عنوان محور و مرکز قلمرو بازی جهانی در معاملات استراتژیک قدرت‌ها، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این رابطه عده‌ای معتقدند شدیدترین تأثیرات سیاسی بر بازارهای جهانی نفت از سوی ایران و روسیه اعمال می‌شود (Pascual, 2005: 5). در این صورت امنیت ملی ایران از متغیرهایی در خارج از مرزهای آن مانند ژئوپلیتیک انرژی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین در مقیاس جهانی و در تحلیل مسائل سیاسی و امنیتی از جمله در انرژی باید دید جامع‌نگر داشت و آن را از دریچه‌ی ژئواستراتژی و یا ژئواکونومی هم نگاه کرد تا به یک راه حل منطقی رسید.

#### ۳-۴. اهمیت ژئوپلیتیکی انرژی در امنیت ملی کشورهای قدرتمند و ایران

از آنجا که سیاست‌های مربوط به انرژی در میان قدرت‌های بزرگ و نیز صنعتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، لذا نقش کلیدی نفت و گاز بر ارتقای جایگاه و هژمونی آنها در ساختار نظام بین‌الملل تأثیر مستقیم دارد. بر این اساس، در چارچوب مولفه‌های ژئوپلیتیک، اصلی‌ترین هدف کشورها، به خصوص قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، تبدیل شدن به بازیگر موثر در زمینه‌ی فعالیت در استحصال و انتقال نفت و گاز می‌باشد (هرمنی و توپا نم ساوی، ۱۳۹۱: ۷۰۹). با توجه به این، امنیت ملی این قدرت‌ها می‌تواند بر دو الگوی نظامی و اقتصادی استوار شود. بدین معنی که ابزار نظامی وسیله‌ای در خدمت تأمین منافع اقتصادی باشد. زیرا، قدرتی که استیلاي جهانی را دنبال می‌کند، با استفاده از قدرت نظامی و تصاحب و تهاجم به سرزمین‌های دیگر به دنبال منافع اقتصادی و سیاسی خود خواهد بود. تا از این طریق قدرت و امنیت ملی خود را در سطح ملی و بین‌المللی گسترش دهد (هرمنی و توپا نم ساوی، ۱۳۹۱: ۷۰۵). از طرفی چون که انرژی (نفت و گاز) هم از مولفه‌های اصلی قدرت می‌باشد و کشورهای بزرگ در راستای کنترل جریان انرژی گام برمی‌دارند (مجتهدزاده و رشیدی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۶۷). بنابراین کنترل بر مراکز تولید و انتقال جهانی نفت و گاز می‌تواند هم پوشانی با اهداف امنیت ملی آنها داشته باشد. در رابطه با ایران نیز دستیابی به سطح مناسب از امنیت ملی، نیازمند شناخت دقیق از مزیت‌های ژئوپلیتیکی آن در سطح منطقه از جمله وجود منابع فسیلی یعنی نفت و گاز می‌باشد. سرنوشت این کشور از زمان احداث اولین چاه نفت، بی‌تأثیر از انرژی و ژئوپلیتیک آن نبوده است. در رابطه با امنیت انرژی چهار مفهوم کمیت عرضه، وجود ذخایر مشخص و مطمئن، تنوع منابع و ثبات عرضه، نقش محوری را ایفا می‌کنند. بر پایه‌ی نظریه‌ی جفری کمپ، ایران علاوه بر داشتن دومین منابع انرژی فسیلی (نفت و گاز) جهان، در مرکز هارتلند استراتژیک انرژی جهان نیز واقع شده است (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳: ۲۰۲). در این صورت، به طور طبیعی ایران می

تواند از این مزیت استراتژیک در راستای حفظ امنیت ملی و افزایش قدرت خود در سطوح داخلی و جهانی بهره ببرد، که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم:

#### ۴. تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی ایران

همانطور که تاکنون اشاره شد اهمیت انرژی در دنیای امروز بر هیچ کسی پوشیده نیست. امروزه انرژی به خصوص نفت و فرآورده‌های آن به عنوان شاه‌رگ تمام سیستم‌های صنعتی شناخته شده است، به گونه‌ای که این کالا موتور توسعه اقتصادی است. همچنین بر پایه‌ی معیار ژئوپلیتیک انرژی «کنترل منابع انرژی برای استقلال و امنیت ملی همه کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده آن حائز اهمیت است. و کشورهای تولیدکننده (مانند ایران) با تلاش برای کنترل و حفاظت مستمر از منابع حیاتی و درآمدزایی انرژی خود، مایل به مشارکت فعالانه و عادلانه در روند رشد اقتصاد جهانی و استفاده بهینه از منابع آن در جهت توسعه اقتصاد ملی و افزایش استاندارد زندگی مردم خود می‌باشند» (موحدیان عطار، ۱۳۸۶: ۱۰۰). براین اساس، با توجه به تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیکی و اهمیت یافتن انرژی در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان می‌تواند نقش حیاتی ایفا کند. از این‌رو تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی ایران، از دو جهت قابل بررسی است:

براساس فرآیندهای اقتصادی جهان، سه قطب حاشیه‌ی اقیانوس آرام شامل ژاپن، کره و آ.سه. آن به رهبری چین، قاره‌ی آمریکا به رهبری ایالات متحده و بلوک اروپایی با مرکزیت آلمان محورهای رقیب در سطح بین‌الملل جدید هستند (موحدیان عطار، ۱۳۸۶: ۵۲). یکی از مولفه‌های اصلی حاکم بر اقتصاد این قطب‌ها، منابع انرژی و مسایل پیرامون آن مانند عرضه و تقاضا و بهای جهانی حامل‌های انرژی، تضمین امنیت انرژی و انتقال آن از کشورهای تولیدکننده به بازارهای مصرف است که موجب شکل‌گیری پیچیدگی‌های خاص در عرصه تحولات سیاسی و اقتصادی نظام بین‌الملل شده است. از این‌رو، وجود انرژی در هر منطقه‌ی جغرافیایی می‌تواند آن را تبدیل به یک عامل رقابت و کشمکش نماید (کوزه گر کالچی، ۱۳۸۸: ۵۵). در

بررسی اهداف آن‌ها، (عمدتاً رسیدن به منابع انرژی) در زمان جنگ سرد، غربی‌ها در خاورمیانه هرگز صبر و انتظار نکشیدند و برای آنها تفاوتی نداشت که چه دولتی رهبری غرب را بر عهده داشته باشد. اما در شرق، از استراتژی مکث استفاده می‌کردند. ولی موقعیت ژئوپلیتیکی این منطقه آنقدر مهم به نظر می‌رسید که در زمان جنگ سرد، غرب و شرق سه دهه (دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم) در انتظار بمانند. به عبارت دیگر، هیچ مدلی در دنیا نداشتیم که در منطقه‌ای بین اهداف غرب و شرق بر سر زمان، یک اتفاق نظر داشته باشند. در مورد ایران، زمانی که هر دو اردوگاه شرق و غرب حائز اهمیت بوده، عکس همدیگر عمل می‌کرد، آنکه تابع امنیت بود، منتظر مانده و آن هم که تابع بحران بود او هم در انتظار مانده بود. اما در قرن ۲۱ که صحنه بازی بازیگران «اوراسیا» است، در اوراسیا: آسیا، و در آسیا: خاورمیانه و در خاورمیانه: ایران از اهمیت ویژه‌ای به لحاظ ژئوپلیتیکی و به ویژه در حوزه‌ی نفت و گاز ویتترین انرژی ایران را زیر نظر دارند و در آرزوی دستیابی به درون آن، همیشه در انتظار فرصت‌هایی هستند تا در راستای اهداف استراتژی خود وارد آن شوند (عزتی، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۰۵). از این لحاظ موقعیت ایران در عصر اقتصاد محور، در حوزه‌ی جغرافیایی خاورمیانه بر روی انرژی متمرکز است (نامی و عباسی، ۱۳۸۸: ۵۶). در چنین شرایطی، موقعیت کشور ایران در غرب آسیا ممتاز است. براساس آمار موجود شرکت BP<sup>۱</sup> در جدول (شماره ۱) این کشور به همراه عربستان، عراق، کویت، امارات و قطر دارای غنی‌ترین منابع نفت و گاز جهان در حوزه خلیج فارس هستند. همچنین در گزارش شرکت BP آمده است، دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در این حوزه قرار دارد. و اگر ذخایر برآورده شده دریای خزر نیز به آن اضافه گردد، درصد نسبی این ذخایر به ۷۰ درصد برای نفت و بیش از ۴۰ درصد برای گاز جهان خواهد بود. در واقع قلب این موقعیت ژئواستراتژیک در دو حوزه یاد شده، ایران است. زیرا براساس آمار شرکت BP، ایران با داشتن ذخایر ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه نفت و ۲۹/۶۱ تریلیون

۱. British Petroleum

مترمکعب گاز طبیعی به عنوان دومین دارنده ذخایر نفت جهان پس از عربستان و دومین کشور ذخیره گاز جهان بعد از روسیه است. از سوی دیگر ایران به واسطه‌ی نزدیکی مراکز تولید نفت و گاز خود به آب‌های بین‌المللی و نیز تنگه استراتژیک هرمز، و بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک انرژی خود در دو حوزه‌ی دریای خزر و خلیج فارس می‌تواند در عرصه‌ی معادلات جهانی آن نقش موثری را ایفا نماید. از این‌رو، جایگاه جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که امکان بستن و جلوگیری از ترانزیت انرژی را در تنگه هرمز به این کشور داده است. از این رهگذر، ایران صاحب نفوذ و قدرتی شده که هر کشور دیگری در صورت تقابل و تضاد سیاست-هایش با این کشور باید بهای آن را بپردازد (Brito, 2012: 3). بنابراین، ایران از یک طرف در مرکز استراتژیک انرژی نفت و گاز جهان قرار گرفته و از طرف دیگر در مسیر انتقال این انرژی به بازارهای بزرگ مصرف آن قرار دارد. این ویژگی‌ها به طور بالقوه موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ویژه‌ای به ایران داده که می‌تواند در راستای اهداف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به ارتقای جایگاه این کشور در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی کمک نماید.



جدول شماره ۱: بزرگترین کشورهای دارای ذخایر اثبات شده نفت و گاز جهان و رتبه آنها تا پایان سال ۲۰۱۳

رتبه	درصد از کل ذخایر گاز جهان	حجم ذخایر گاز (تریلیون مترمکعب)	کشورهای دارای ذخایر گاز	رتبه	درصد از کل ذخایر نفت جهان	حجم ذخایر نفت (میلیارد بشکه)	کشورهای دارای ذخایر نفت
اول	۲۳/۴	۴۳/۳۰	روسیه	اول	۲۱	۲۶۴/۱	عربستان
دوم	۱۶	۲۹/۶۱	ایران	دوم	۱۰/۹	۱۳۷/۶	ایران
سوم	۱۳/۸	۲۵/۴۶	قطر	سوم	۹/۱	۱۱۵	عراق
چهارم	۴/۳	۷/۹۴	ترکمنستان	چهارم	۸/۱	۱۰۱/۵	کویت
پنجم	۴/۱	۷/۵۷	عربستان	پنجم	۷/۹	۹۹/۴	ونزوئلا
ششم	۳/۶	۶/۷۳	ایالات متحده	ششم	۷/۸	۹۷/۸	امارات
هفتم	۳	۶/۴۳	امارات	هفتم	۶/۳	۷۹	روسیه
هشتم	۲/۸	۵/۲۲	نیجریه	هشتم	۳/۵	۴۳/۷	لیبی
نهم	۲/۶	۴/۸۴	ونزوئلا	نهم	۳/۲	۳۹/۸	قزاقستان
دهم	۲/۴	۴/۵۰	الجزایر	دهم	۲/۹	۳۶/۲	نیجریه
یازدهم	۱/۷	۳/۱۸	اندونزی	یازدهم	۲/۴	۳۰/۵	ایالات متحده
دوازدهم	۱/۷	۳/۱۷	عراق	دوازدهم	۲/۳	۲۸/۶	کانادا
سیزدهم	۱/۶	۲/۹۱	نروژ	سیزدهم	۲/۲	۲۷/۳	قطر
چهاردهم	۱/۴	۲/۵۱	استرالیا	چهاردهم	۱/۲	۱۵/۵	چین
پانزدهم	۱/۳	۲/۴۶	چین	پانزدهم	۱/۱	۱۳/۵	انگولا
شانزدهم	۱/۳	۲/۳۹	مالزی	شانزدهم	۱	۱۲/۶	برزیل
هفدهم	۱	۱/۸۲	قزاقستان	هفدهم	۱	۱۲/۲	الجزایر
هیجدهم	۱	۱/۷۸	کویت	هیجدهم	۰/۹	۱۱/۹	مکزیک
نوزدهم	۰/۹	۱/۶۳	کانادا	نوزدهم	۰/۶	۷/۵	نروژ
بیستم	۰/۹	۱/۵۸	ازبکستان	بیستم	۰/۶	۷	آذربایجان
	۱۰۰	۱۸۵/۰۲	جمع کل ذخایر گاز جهان		۱۰۰	۱۲۵۸	جمع کل ذخایر نفت جهان

استخراج از سامانه اینترنتی شرکت بی پی: [www.bp.com](http://www.bp.com)

### ۵. تاثیر منفی اقتصاد رانتیر بر وزن ژئوپلیتیکی ایران

کارشناسان حوزه انرژی، امروزه آثار اقتصادی و اجتماعی اتکای دولت‌ها به رانت خارجی را که به آن اقتصاد رانتیر گفته می‌شود، با مفهوم نظریه‌ی «بلای منابع» مطرح می‌کنند. ایده‌ی محوری آنها این است که تجربه‌ی دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که صرف صادر کردن نفت و یا دیگر منابع معدنی، کشورهای فقیر را در خلال یک نسل، به اقتصادهای در حال شکوفا تبدیل نمی‌کند. این کشورها از «معمای

نفت» ارنج می‌برند. بلای منابع، در محدودترین مفهوم خود به رابطه‌ای قرینه و وارونه میان اتکای شدید به منابع طبیعی و نرخ‌های پایین رشد اقتصادی، اشاره دارد. در این نظریه از عواملی مانند نوسان قیمت انرژی، بیماری هلندی<sup>۲</sup> (پدیده‌ای است که در آن، بخش نفت، نرخ مبادله پولی محلی با ارزهای خارجی را افزایش می‌دهد و همین امر سبب می‌شود صادرات کالاهای دیگر، حالتی غیررقابتی پیدا کند)، ضعف مهارت‌های شغلی و تشدید نابرابری، محصورشدن بخش نفت و مشکل مالیات را به عنوان عدم تحقق و دستیابی به رشد واقعی اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت (انرژی) یاد می‌کنند (میرترابی، ۱۳۸۷: ۳۱-۲۶). هواداران این نظریه، صادرات انرژی به ویژه نفت را بلای بزرگی برای تولیدکنندگان آن می‌دانند. زیرا به طور کلی از رشد واقعی اقتصاد جلوگیری می‌کند.

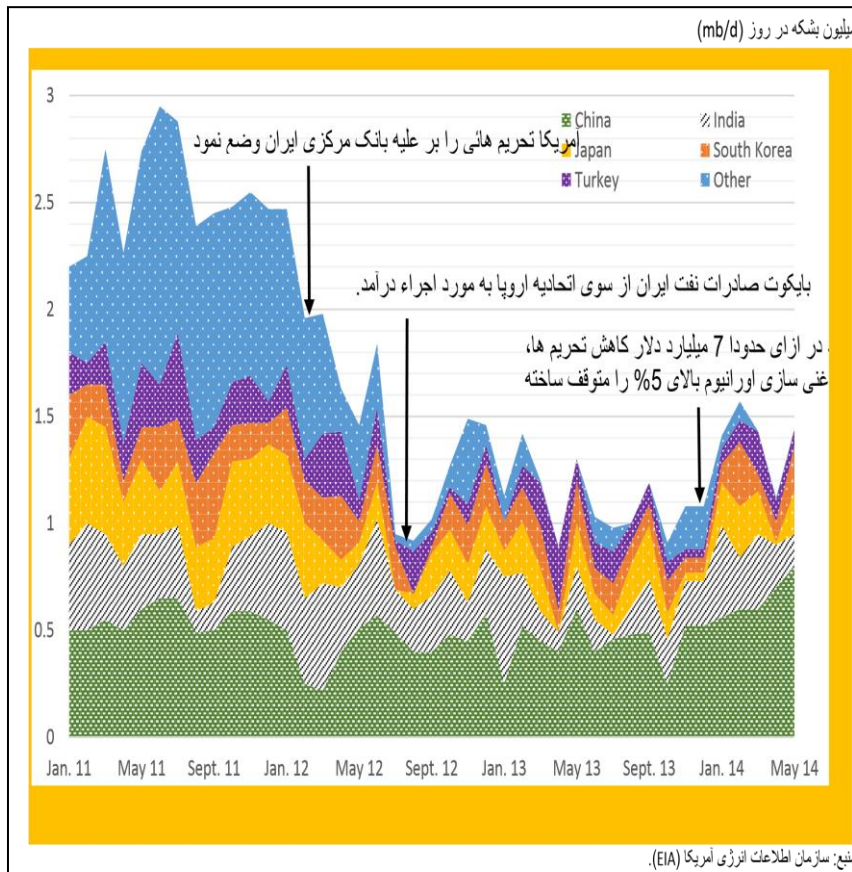
در این رابطه، اقتصاد ایران به دلیل این‌که بیش از نیمی از درآمدهای دولت و نیز ۸۰ درصد درآمدهای صادراتی به صدور نفت وابستگی دارد، اقتصاد رانتیری شده است (مسرت، ۱۳۸۸: ۱۲۰). در این راستا، علاوه بر بلای منابع، ایران بر پایه‌ی اقتصاد رانتیر خود، وابسته به درآمدهای نفت و گاز است. از این‌رو، هر نوع سناریوی منجر به تهدید از سوی قدرت‌های بزرگ و یا مخالف نظام ایران، که بتواند درآمدهای حاصل از فروش منابع معدنی و به ویژه نفت و گاز را کاهش دهد، در دو بعد داخلی و خارجی بر امنیت ملی آن تاثیر منفی خواهد گذاشت (ن.ک جدول شماره ۲). در بُعد داخلی به دلیل ارتباط تنگاتنگ درآمدهای انرژی و تأثیر آن بر کاهش بودجه‌ی سالانه کشور، زندگی روزمره‌ی مردم تحت فشار قرار می‌گیرد. در این صورت «با توجه به جایگاه والایی که امروزه اقتصاد در زندگی انسان‌ها یافته و تهدیدات اقتصادی از اهمیت روزافزونی برخوردار شده است،... و هر تحول اقتصادی که بر اهداف اولیه‌ی کشورها تاثیر گذار باشد به مثابه تهدیدی علیه امنیت ملی آنان ارزیابی می‌شود» (مردایان، ۱۳۸۸: ۲۳۷). تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از

۱. Paradox of plenty

۲. Dutch Disease

جمله در تولید، انتقال و فروش نفت و گاز که تاثیر منفی بر اقتصاد رانتیر آن دارد، به مانند تهدیدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. در بُعد خارجی به دلیل وابستگی شدید به درآمدهای حاصل از فروش انرژی و به ویژه نفت هرگونه عدم خرید، سرمایه‌گذاری و انتقال نفت و گاز از سوی کشورهای دیگر می‌تواند موجب کم ارزش شدن موقعیت استراتژیک و کاهش وزن ژئوپلیتیکی آن در سطح منطقه شود. همچنین در این بازی شطرنج، کشورهای منطقه از کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران سود خواهند برد. در این صورت امنیت ملی پیش‌بینی شده‌ی جمهوری اسلامی ایران که در افق ۱۴۰۴ به دنبال جایگاه اول قدرت اقتصادی و سیاسی منطقه است به چالش کشیده می‌شود. در این رابطه و از آنجا که در بُعد خارجی، منابع انرژی و درآمدهای حاصل از آن در تعیین الگوی روابط خارجی و مناسبات ایران با سایر بازیگران بین‌المللی تاثیر گذار است، بنابراین لبه‌ی تیز داشتن منابع انرژی با اقتصاد رانتیر، که وابستگی متقابل شدید با جهان خارج دارد، بر تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی و آرمان‌های آن بر پایه امنیت ملی دلخواه خود، آثار سویی خواهد داشت.

جدول شماره ۲: تاثیرات تحریم بر نفت و گاز ایران



به نظر می‌رسد، سیاست آشتی جویانه اخیر و نیز عادی سازی و توسعه روابط با کشورها و نهادهای بین‌المللی از سوی جمهوری اسلامی ایران که حاکی از تغییر رفتار آن است، متأثر از اقتصاد رانتیر و وابسته به درآمد منابع انرژی آن می باشد، که خود در راستای اهداف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر منفی خواهد داشت (ن.ک جدول شماره ۳).

### ۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارزیابی فرضیه

با توجه به آنچه که در مورد هارتلند انرژی (نفت و گاز) و موقعیت کانونی سرزمین ایران گفته شد، ژئوپلیتیک انرژی در واقع نتایج جغرافیایی یک سیاست است. در این تحلیل ژئوپلیتیکی، اهتمام بر آن است که بین مراکز قدرت بین‌المللی و ایران رابطه برقرار شود و هدف از آن، تبیین نقش عامل متغیر منابع انرژی ایران در سیاست است. زیرا این عامل در روند سیاسی ایران به ویژه بعد از انقلاب تأثیرگذار است. براین اساس در شرایط فعلی ایران علاوه بر موقعیت جغرافیایی ویژه از جمله قرارگیری در مرکز ثقل یکی از شبکه‌های اصلی ارتباطی جهان و هم‌جواری با دو پهنه‌ی آبی خلیج فارس و دریای خزر، در زمینه منابع انرژی رتبه‌ی دوم ذخایر نفت و گاز جهان را در اختیار دارد. این عوامل می‌تواند ایران را در صحنه‌ی ژئوپلیتیک فعلی جهان به‌عنوان یک بازیگر اصلی، قدرتمند سازد. اما ج.ا.ایران به دلیل عدم همراهی و هماهنگی با طراحان سیاست جهانی که همواره در معرض ضربه زدن به امنیت ملی (که در آن اهداف و ارزش‌های انقلابی و ضد غربی قرار دارد) هستند، با چالش‌هایی از جمله تحریم و عدم صدور و انتقال نفت و گاز خود به کشورهای جهان مواجه است. به طوری که این عامل فرصت، به ناگهان یا توجه به کاهش وزن ژئوپلیتیکی اعمال شده از خارج به عامل مخرب تبدیل شده است. در تحلیل از این موضوع می‌توان گفت که ایران به دلیل وابستگی به درآمدهای فروش نفت و گاز خود در بودجه که بیش از ۵۵ درصد است، به‌عنوان اقتصادی رانتیر و تک محصولی از سیاست‌های جهانی تاثیر پذیر خواهد بود. در همین رابطه ایران در چند دهه‌ی اخیر با الگوهای رفتاری متفاوت برای مقابله با این نظام، سیاست‌های خاصی را

تجربه کرده است. از جمله واقع‌گرایی اسلامی، نواقح‌گرایی و در نهایت وابستگی متقابل که در نوع اخیر به دنبال حضور در پیمان‌ها و اجلاس‌هایی است که در آن نوعی امنیت مشترک در چارچوب نگاه به شرق وجود داشته باشد، تا مانع تهدیدات علیه امنیت ملی خود شود.

لذا ایران مهم‌ترین تهدید فراروی امنیت ملی خود را در شرایط فعلی نابسامانی‌ها و بحران‌های اقتصادی در درون مرزها، و اعمال فشارهای سیاسی، انزوا و تحریم‌های اقتصادی را در خارج از مرزها می‌بیند. همه این موارد می‌تواند متأثر از بلای منابع‌ای باشد که به دلیل وابستگی اقتصاد تک محصولی رانتیر ایران به نفت و اخیراً گاز پدید آمده است.

با این حال در این تحول نظام جهانی و وابستگی شدید اقتصاد دنیا به منابع انرژی، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در حوزه انرژی از جمله ذخایر بسیار بزرگ، توان بالقوه‌ی تولید بسیار زیاد، استقرار بر سر راه مراکز بزرگ استخراج در دو حوزه‌ی دریای خزر و خلیج فارس به مراکز بزرگ مصرف غرب و شرق، می‌تواند توان امنیتی ایران را ارتقا دهد. چراکه وابستگی بیش از حد کشور آمریکا به نفت خاورمیانه باعث کاهش توان اعمال قدرت این کشور در نظام بین‌الملل شده و درمقابل، کشورهای متخاصمی نظیر ایران را تقویت نموده است (Kraemer, 2006: 3). از این جنبه، ایران می‌تواند نقشی استراتژیک در این بازی جهانی داشته باشد تا علاوه بر افزایش منابع و قدرت ملی خود در سطح منطقه، در جهت تثبیت امنیت ملی خود در سطوح داخلی و خارجی تلاش نماید.

بنابراین با توجه به آنچه در تحلیل یافته‌ها و داده‌های پژوهش بیان شد، فرضیه‌ی این پژوهش مبنی بر این‌که اقتصاد تک محصولی ایران با تکیه بر درآمد فروش انرژی (نفت و گاز)، الگوی خاصی از تعاملات خارجی را ایجاد کرده است، مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین این مساله که منابع و سیاست‌های مبتنی بر آن در تعیین الگوی روابط خارجی و مناسبات ایران با سایر بازیگران بین‌المللی حائز اهمیت است، تأیید می‌شود. و در نهایت، این امر که امنیت ملی ایران از متغیرهایی در خارج

از مرزهای آن مانند ژئوپلیتیک انرژی تأثیر می‌پذیرد، نیز تایید شده است. از این رو با توجه به تایید فرضیه‌ی پژوهش، از طریق بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی تشخیص وضعیت امنیت ملی ایران امکان پذیر شده است.

### نتیجه‌گیری

ژئوپلیتیک با توسعه در سیستم نوین بین‌المللی، بر امنیت جهانی، منطقه‌ای و ملی نقشی اثرگذار پیدا کرده است. این موضوع در عصر اقتصاد محور فعلی جهان که دستیابی به منابع انرژی در اولویت سیاست کشورهای صنعتی و غرب قرار دارد، اهمیت بیشتری می‌یابد. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی بر روی یکی از کشورهای دارای منابع بزرگ جهان یعنی ایران است، تا میزان کیفی تأثیرگذاری آن را بر روی امنیت ملی این کشور ارزیابی نماید. در این رابطه کشور ایران علاوه بر رتبه‌ی دوم ذخایر ثابت شده نفت و گاز، با برخورداری از موقعیت استثنایی فضای حائل بین حوزه خلیج فارس و دریای خزر به‌عنوان کانون استراتژیک انرژی جهان مطرح شده است. نکته‌ی حائز اهمیت، تأثیرات این موقعیت بر امنیت ملی ایران است. امنیت ملی که امروزه با اقتصاد گره خورده و سرچشمه و منبع تهدید آن بیشتر در خارج از مرزها دیده می‌شود، در ایران با اقتصاد تک محصولی و رانندگی متکی به فروش منابع نفت و گاز، بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های کلان انرژی جهان قرار دارد. آنچه موجب نگرانی نظام فعلی ایران قرار گرفته، مربوط به شکل‌گیری وابستگی متقابل بین کشورهای تولیدکننده با کشورهای مصرف‌کننده و مسیر انتقال انرژی است که می‌تواند این امکان را به کشورهای قدرتمند بدهد تا به بهترین وجه از ژئوپلیتیک انرژی به وجود آمده که ایران را در مرکز آن قرار می‌دهد، امنیت ملی دلخواه آن را مورد تهدید قرار دهند. قرار گرفتن ایران در این موقعیت ژئوپلیتیک، این کشور را خواسته یا ناخواسته در متن تحولات جهانی با دو موضوع تأثیرگذار بر امنیت ملی مواجه می‌سازد. یکی، حفظ و بهره‌گیری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک انرژی در راستای امنیت ملی خود که مستلزم سیاستی پیچیده و

تاکید بر مولفه‌ی اقتصاد است. از این منظر، ایران در صورت به کارگیری از توان بالقوه تولید و با در نظر گرفتن مرکزیت استراتژیک انرژی نفت و گاز جهان، با همکاری‌های بیشتر اقتصادی با سازمان‌های منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی به امنیت ملی دلخواه خواهد رسید. دیگری، تاثیر منفی نقش ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی ایران است. در این رابطه اقتصاد رانتیر ایران به دلیل وابستگی آن به درآمدهای نفت و گاز همواره در صورت هرگونه تعارض با سیاست‌های جهانی، با تهدید مواجه می‌شود. و از آنجا که در بحث امنیت ملی و در بعد داخلی کاهش بودجه سالانه، زندگی روزمره‌ی مردم ایران را تحت فشار قرار می‌دهد لذا از آن به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی نام برده می‌شود. همچنین در بُعد خارجی به دلیل وابستگی متقابل، هرگونه عدم خرید، سرمایه‌گذاری و انتقال نفت و گاز ایران از سوی کشورهای متعارض و مخالف با نظام فعلی ایران موجب کم ارزش شدن موقعیت استراتژیک و کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران در سطح منطقه و جهان خواهد شد. با توجه به این مباحث اهمیت این موضوع نشان می‌دهد که امنیت ملی ایران از عامل اقتصاد تک محصولی و الگوی روابط خارجی و مناسبات آن با سایر بازیگران بین‌المللی از متغیر خارج مرز یعنی ژئوپلیتیک انرژی و نقش آن در ژئواکونومیک جهانی تاثیر می‌پذیرد.

## منابع

## الف- فارسی

- آزر، ادوارد ای و چونگ این مون (۱۳۸۸)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۲)، دانشنامه سیاسی، چاپ نهم، نشر مروارید، تهران.
- پاکپام، جفری (۱۳۹۱)، بعد صنعتی امنیت انرژی، ترجمه علیرضا طیب، از کتاب مرجع امنیت انرژی به کوشش بنجامین سوواکول، چاپ اول، نشر ابرار معاصر، تهران.
- حاجی یوسفی امیر محمد (۱۳۸۸)، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، ویرایش دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، نشر آستان قدس رضوی، مشهد.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، جلد سوم، چاپ اول از دوره جدید، نشر دانشگاه تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، نشر سمت، تهران.
- رضائی، ناصر و محمدرئوف حیدری فر (۱۳۸۹)، درآمدی بر جغرافیای سیاسی، چاپ اول، نشر سپاهان، تهران.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۷)، نظریه امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، نشر دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۷۹) نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران
- عزتی، عزت الله (۱۳۸۴)، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، چاپ دوم، نشر وزارت خارجه، تهران.
- کنز نشتاين، پيتر. جی (۱۳۹۰)، فرهنگ امنیت ملی، جلد اول، ترجمه محمد هادی سمتی، چاپ اول، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- کمپ، جفری و رابرت هارکاوای (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، جلد اول، ترجمه سید مهدی حسینی متین، چاپ اول، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.



- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۸)، پیامدهای بحران گرجستان بر نظام بین المللی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال هیجدهم، شماره ۶۵، ص ۱۳۱-۱۱۳.
- مجتهدزاده، پیروز و احمد رشیدی نژاد (۱۳۹۰)، «رقابت روسیه با ایران در حوزه انرژی مناطق آسیای مرکزی، خزر و قفقاز»، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۲۵، ص ۲۷۶-۲۶۶.
- مختاری هشی، حسین و حمیدرضا نصرتی (۱۳۸۹)، امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم، ص ۱۲۴-۹۵.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، تهدید و امنیت، چاپ اول، نشر مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهد صیاد شیرازی، تهران.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۰)، «مدل سازی ریاضی برای سنجش امنیت خارجی، مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول، ص ۲۰۱-۱۶۸.
- مسرت، محسن (۱۳۸۸)، سناریوهای انرژی برای ایران، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی سال بیست و سوم، شماره ۲۶۲-۲۶۱، ص ۱۴۱-۱۲۰.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۶)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجاه و چهارم، نشر دوران، تهران.
- موحدیان عطار، رسول (۱۳۸۶)، چشم انداز خاورمیانه بزرگ، چاپ اول، نشر وزارت امور خارجه، تهران.
- میر ترابی، سعید (۱۳۸۷)، «نفت، سیاست و دموکراسی»، چاپ اول، نشر قومس، تهران.
- میر ترابی، سعید (۱۳۸۴)، مسائل نفت ایران، چاپ اول، نشر قومس، تهران.
- نامی، محمدحسن و عیله رضا عباسی (۱۳۸۸)، تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک سال پنجم، شماره دوم، ص ۶۵-۴۱.
- ویلیامز، پل دی (۱۳۹۰)، درآمدی بر بررسی های امنیتی، ترجمه علیرضا طیب، چاپ اول، نشر امیرکبیر، تهران.
- هرسنی، صلاح الدین و ام البنین توپا نم ساوی (۱۳۹۱)، جایگاه خاورمیانه در سیاست های انرژی ایالات متحده آمریکا، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، جلد دوم، نشر دانشگاه آزاد، رشت، ص ۷۱۲-۷۰۱.
- ب- انگلیسی

Brito, Dagobert (2012) , Revisiting the Alternatives of Strait of Hormoz, James Baker Institute for Public Policy, Rice University.

Everest, Larry (2004), Oil, Power & Empire, (Canada: Common Courage Press), PP.254-255.

Kemp, G. (1997). Energy Superbowl: Strategic Politics and the Persian Gulf and Caspian Basin. Washington D.C: Nixon Center for Peace and Freedom.

Nerlich, Uwe (2008), Energy Security or a New Globalization of Conflicts? Oil and Gas in Evolving New Power Structures, Strategic Insights, Volume VII, Issue 1.

Pascual, Carlos (2008) . 'The Geopolitics of Energy: From Security to Survival', Brookings Institution, January,

<http://www.brookings.edu/papers/2008/01-energy-pascual.aspx>

Rempel, Hamer (2006), Geographical Distribution of Oil and Natural Gas Deposits - different Means of Transportation to the Consumption Centers Federal Institute for Geosciences and Natural Resources, Germany, Pipeline Technology Conference.

The BP Statistical Review of world Energy, May 2014 at: [www.bp.com](http://www.bp.com)

۲۲۴

